۱۰. علم به شتر گم‌شده

همین امروز بود که به این روایت برخورد کردم و جالب بود. در دو کتاب قدیمی است؛ یکی تاریخ مدینة است و یکی هم دلائل النبوة بیهقی است. شتر حضرت گم شده بود، یک منافقی گفت خب پیامبری که شما می‌گویید خدا به او خبر می‌دهد، خبر بدهد که شترش کجا است! همه مدینه بسیج شده‌اید شتر حضرت را پیدا کنید؟! خیلی ها گفتند تو منافق هستی، این چه حرفی بود که زدی؟! این منافق، بدون اینکه کسی به حضرت بگوید راه افتاد و از جمعیت فاصله گرفت و به محضر خود حضرت آمد، بدون اینکه کسی به حضرت گفته باشد، حضرت فرمودند: یکی از منافقین گفته است که وقتی شتر پیامبر گم شده، چرا خدای او به او خبر نمی‌دهد؟ حضرت سریع فرمودند: خدای من به من خبر داده است که شتر من فلان جا است، آن را بروید و بیاورید. بعد این جمله را هم فرمودند: ببینید جمع کردند. فرمودند «**وَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَخْبَرَنِي بِمَكَانِهَا وَلَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا اللهُ**[1]». الآن به من خبر داده که بروید و بیاورید. خب این چه منافاتی دارد که بگوییم «اخبره الله». این چه مانعی دارد؟! «**لا یعلم الغیب الا الله**»جمع بین هر دو در این حدیث خیلی زیبا است.

---

[1] دلائل النبوه للبیهقی محققا ج ۴ ص ۶۰ و تاریخ مدینه ج ۱ ص ۳۵۴

بازبینی #2
ایجاد شده 17 ژوئیه 2024 10:27:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 ژوئیه 2024 11:57:32 توسط ... .